



دبیر کل حزب مردم‌سالاری خطاب به صداوسیما:

«میزان رای ملت است» نه یک شعار سیاسی بلکه یک فتوا و شعور فقهی امام خمینی(ره) است

صفحه ۲

ناکامی دولت رئیسی در دو جبهه رفع تحریم و استفاده از ظرفیت‌های داخلی

معیشت مردم، گروگان مذاکرات فرسایشی وین

صفحه ۲

رویترز از صدور پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام آژانس خبر داد

نقشه صدور قطعنامه علیه ایران در شورای حکام

صفحه ۲

سیدحسن خمینی:

امام خمینی(ره) دین را به زندگی آمیخته با مادیات بشریت آورد

صفحه ۲

روسیه صادرات گاز به دانمارک و آلمان را قطع کرد

تشدید جنگ انرژی در اروپا

صفحه ۱۱

وزارت بهداشت هشدار داد

۱۳ ابتلا و یک فوتی

فاشی از تب کریمه کنگو

صفحه ۴

رئیس سازمان سینمایی:

جنبش me too و بیانیه‌های سیاسی

امنیت روانی سینما را می‌گیرد

صفحه ۹

سر مقاله

صفحه ۱۰



علی‌اکبر مختاری

شرایط سخت تحریم با تصمیمات ناهنگام دولت همراه شده و با توجه به انبساط ناراضی‌های گذشته وضعیت بغرنجی را شکل داده است. در این شرایط با روی دادهایی که در هفته اخیر در داخل کشور شکل گرفته نه تنها تلاشی برای مرهم گذاشتن بر زخم‌های جامعه نیست بلکه دستگاه‌های تبلیغی با دوقطبی کردن جامعه بر خشم و عصبانیت مردم افزوده‌اند.

یکی از این تصمیمات مجیرالمقول که توسط بخش فرهنگی حاکمیت تجویز شده بود مراسم جشن و اجرای سرود «سلام فرمانده» در ورزشگاه آزادی تهران بود. از چندی قبل مقدمات اجرای این سرود در رسانه ملی و فضای عمومی و مدارس کشور مهیا شد ولی واکنش مطلوبی در رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی دیده نشد و در شرایطی که همه از درد و رنج گرانی و سختی معیشت می‌نالند ترویج چنین بسته فرهنگی دستمایه طنز و شوخی مردم شده و به سبب تجویزی بودن آن بیشتر موجب واکنش منفی مردم قرار گرفته است. در

دو قطبی کردن جامعه، تضعیف همبستگی ملی است

کنار تبلیغات پر سر و صدای دستگاه‌های تبلیغاتی برای اجرای سرود، مسئله ریزش ساختمان متروپل در آبادان و کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان بی‌گناه که شهر آبادان را به شهر عزا تبدیل کرده و بر مصائب مردم جنوب افزوده است در سکوت خبری بوده و از دیدگاه رسانه‌های دولتی و بخش فرهنگی حاکمیت چندان اهمیت ندارد. عدم توجه به چنین موضوع مهمی که یادآور ریزش ساختمان پلاسکو در تهران است و در مقابل اصرار بر سرود درمائی با دو قطبی‌سازی و بی‌حس کردن ادراک مردم مسلما به موضع‌گیری توده‌های عظیم مردم منجر شده و موج‌های بحران اجتماعی را گسترده‌تر خواهد کرد.

دوقطبی‌سازی یکی از شگردهای دولت‌ها در هنگامه انتخابات است. در رقابت‌های انتخاباتی نظام‌های سیاسی با برجسته کردن دو یا چند حزب و ایجاد موج‌های تبلیغی سعی دارند اکثر جامعه را در فضای انتخاباتی درگیر کنند و با شگردها و شوک‌های روانی جامعه را از حالت عادی و بی‌توجهی خارج سازد و به مشارکت بیشتر در تعیین سرنوشت سیاسی هدایت کنند. ولی در شرایط سخت جنگ اقتصادی و تداوم بحران‌ها، جمع کردن عده‌ای در ورزشگاه و شادی کردن و

سرود خواندن وقتی همه ناراحت و عصبانی هستند چه هدفی را دنبال می‌کند؟ این حرکت ناپهنگام به جز واگرایی، انشقاق و تخریب همبستگی ملی نتیجه‌ای نخواهد داشت. به طور کلی وقتی جامعه نسبت به تصمیمات و سیاست‌های دولت بی‌اعتماد است مسلما گفتار درمائی و سرود خواندن، عامه مردم را پرخاشگر خواهد کرد.

جامعه مدنی شامل گروه‌های مردم نهاد، سمن‌ها، ورزشکاران، هنرمندان، ستاره‌های سینما و موسیقی بعنوان واسطه‌های بین توده عظیم مردم و حکومت می‌توانند در بحران‌های داخلی و بن بست‌های سیاسی اجتماعی چاره ساز و تأثیرگذار باشند. شوربخانه در دوره کنونی از این ظرفیت بزرگ استفاده نشده بلکه برخی از فعالین مدنی با ترفندهای مختلف حذف شده‌اند.

در این شرایط، دولت که خود بانی وضع موجود است بجای اینکه پای خود را از تجویز کردن و بسیج کردن هواداران کنار بکشد و با فراخواندن جامعه مدنی و همه شهروندان در همفکری و همیاری در برداشتن موانع اقتصادی به یکتا انگاری در عرصه عمومی خاتمه بخشد، تصمیماتی اتخاذ کرده که بیشتر موجب وهن دولت و تحقیر ملت ایران شده است.

یادداشت

نوشتن از حادثه دلخراش متروپل آبادان برای نگارنده که اهل همین شهر و دیار است، سخت و ناراحت‌کننده است اما باتوجه به گذشت یک هفته از این واقعه و باعنایت به جوانب پیدا و پنهان این قضیه، قصد بررسی یکی از جنبه‌های آن را دارم. از جمله مباحثی که از ابتدای تاریخ به خصوص در مدیریت دولتی و ادارهٔ امور عمومی مطرح می‌شود، مقولهٔ شیوه و چگونگی حکمرانی است و در این حوزه کلید واژه‌های بسیاری توسط اساتید و نخبگان مورد بحث واقع شده است. در این یادداشت به دو مورد از آنها یعنی مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی می‌پردازیم سپس آن‌ها را به فاجعهٔ متروپل از تباطؤ خواهیم داد.

مسئولیت‌پذیری همانگونه که از نام آن بر می‌آید به معنای پذیرفتن مسئولیت یک تصمیم یا یک اقدام است و بالطبع در جایی معنای خود را به‌طور کامل خواهد داشت که شفافیت وجود داشته باشد.

به‌طور مثال؛ اگر شفافیت در کار نباشد دیگر مشخص نخواهد بود که تصمیم مهمی که زندگی ملتی را تحت‌الشعاع قرار داده است یا اقدام مهمی که باعث بهبود یا وخیم‌شدن اوضاع جامعه شده است دقیقا توسط کدام شخصی یا کدام نهاد یا کدام ارگان گرفته شده یا انجام پذیرفته است در نتیجه وقتی شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات وجود نداشته باشد نمی‌شود گفت مسئولیت آن تصمیم یا اقدام متوجه چه کسی است آنگاه در چنین شرایطی دیگر پاسخگویی نیز بی‌معنا می‌شود چرا که پاسخگویی به دنبال مسئولیت می‌آید و زمانی که مسئول مشخص نباشد، صرفاً پاسخگو نیز معلوم نخواهد بود!

مشخص و معلوم‌نبودن مسئول و پاسخگو به خودی خود امکان مطالبه‌گری را از مردم خواهد گرفت و نسوک پیکان انتقادات در صورت بروز خشم و نارضایتی عمومی، به جای شخص، نهاد یا

یادداشت

از فاجعه متروپل آبادان تا فاجعه مونوپل در کشور

نوید روشایی

داشتهن همه امکانات در اختیار یک گروه خاص است. حالا سیل پیام‌های تسلیت بر سر مردم آبادان آور شده است و حتی برخی گروه‌های سیاسی معلوم‌الحال که بسا فرار گرفتن در قدرت اوضاع و احوال اسفبار بر کشور و ناراحتی و درد را بر مردم حاکم کرده‌اند و در همان آبادان شورا و شهردار بر فرماندار و... همه از اهالی همان فرقه‌اند، در پی ماهیگیری از این آب گل آلود هستند، گویی است و حتما ادامه چنین وضعی منجر به ریزش و تخریب بنای اعتماد اجتماعی، امید، نشاط و شایسته‌سالاری خواهد شد.

داشتهن همه امکانات در اختیار یک گروه خاص است. حالا سیل پیام‌های تسلیت بر سر مردم آبادان آور شده است و حتی برخی گروه‌های سیاسی معلوم‌الحال که بسا فرار گرفتن در قدرت اوضاع و احوال اسفبار بر کشور و ناراحتی و درد را بر مردم حاکم کرده‌اند و در همان آبادان شورا و شهردار بر فرماندار و... همه از اهالی همان فرقه‌اند، در پی ماهیگیری از این آب گل آلود هستند، گویی است و حتما ادامه چنین وضعی منجر به ریزش و تخریب بنای اعتماد اجتماعی، امید، نشاط و شایسته‌سالاری خواهد شد. اگرچه که این زِست‌ها و رفتارهای شمشز

مانند شورای شهر یا حتی نمایندگان مجلس، مطالبه و درخواست یا انتقاد خود را دقیقاً به کدام یک از دو مرجع به عنوان نمایندهٔ حاکمیت باید ارائه دهند: فرمانداری یا منطقهٔ آزاد؟ این میزان از عدم شفافیت در خصوص میزان مسئولیت دستگاه‌ها در ادارهٔ شهرستان و مسائل مربوط به آن در عین اختیارات تعریف شدهٔ سازمانی، باعث عدم‌پاسخگویی آنها خواهد شد لذا به نظر می‌رسد حل این مسئله به عنوان شاه کلید حل مشکلات در ادارهٔ شهرستان آبادان، نیازمند طرح بحث توسط نخبگان، پیگیری جدی و مستمر توسط مردم تا حصول نتیجهٔ مطلوب و البته یازنگری در قوانین و مقررات در پایتخت است. پیشیناد نگارنده این است که به منظور دستیابی به نتیجهٔ بهتر و پیشگیری از وقایعی این چنین و حل مسائل متعدد و بعضاً پیش پا افتادهٔ شهر عزیز و مقاوم آبادان، متولی اصلی و مسئول شماره یک شهرستان تعیین یا حداقل نسبت به مشخص‌نمودن میزان مسئولیت دستگاه‌ها شود چراکه استمرار و تداوم این وضعیت، نه تنها موجب ایهام و سردرگمی نهادهای نظارتی به منظور ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها در فجاجعی این چنین متروپل این است که ضمن رسیدگی به نظارت عمومی توسط مردم، به افزایش میزان به‌عنوان نکتهٔ پایانی، انتظار از مسئولان و دستگاه‌های استانی و کشوری در قبال حادثهٔ متروپل این است که ضمن مطالبه‌گری خانواده‌های دافدار و جبران زیان مالی مردم شهر، با عاملین اعم از افراد و یا دستگاه‌های مقصر در این حادثه، برخورد قاطع و فوری صورت پذیرد تا کمی از درد و رنج مردم آبادان کاسته شود و عبرتی باشد برای آنان که نسبت به وظیفهٔ خود احساس مسئولیت نمی‌کنند.

ارگان خاص، به سمت کلیت ساختار رفته و اساس حکومت‌ها را نشانه می‌رود زیرا همواره افراد در پیشامدهای ناراحت‌کننده و در حالت عصبانیت، تمایل به ابراز خشم و تخلیهٔ هیجانی نسبت به شخص یا نهادی خاص را پیدا می‌کنند. به همین جهت است که اصل تفکیک قوا در حکمرانی و حکومت‌داری مورد توجه قرار گرفت تا ضمن جداسازی نهاد تصمیم‌گیرنده از اجراکننده، مسئول تصمیم و اقدام مشخص بوده و از طریق نهاد قضایی، امکان شکایت، پیگیری و برخورد فراهم باشد.

به دیگر سخن باید بستر مناسب جهت برقراری نظارت اجتماعی و عمومی بر دستگاه‌ها فراهم گردد تا عدم‌مسئولیت‌پذیری و عدم پاسخگویی به حداقل برسد راه برای اصلاح پیوسته هموار گردد. حال اما به حادثهٔ غم‌انگیز متروپل می‌پردازیم و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را در این فاجعه سواى از مباحث فنی و تخصصی علم سازه بررسی می‌کنیم. قبل از بررسی و به منظور درک بهتر لازم است به نکته مهمی دربارهٔ وضعیت اداری شهرستان آبادان اشاره شود.

شهر آبادان یک مشکل اساسی در حوزهٔ حکمرانی دارد. تفاوت اصلی آبادان با بسیاری از شهرهای دیگر، برخورداری از سازمان منطقهٔ آزاد است. البته قصد نداریم عملکرد این سازمان را در این یادداشت مورد ارزیابی قرار دهیم اما به‌طور خلاصه، به بیان این سخن بسنده می‌کنیم که وجود منطقهٔ آزاد در آبادان، آن‌گونه که توقع می‌رفت منجر به پیشرفت نشد و انتظارات را برآورده نکرد.

ایسن در حالی است که در حوزهٔ مدیریت شهری، پروژه‌های عمرانی و زیربنایی، بهداشت و درمان و نظایر آن، همواره این دغدغه در میان فعالان شهرستان وجود داشته که علاوه بر دستگاه‌هایی همچون شهرداری یا نهادهایی

کننده برای همگان واضح و مبهرن است و نتیجه‌ای جز نمک‌پاشیدن به زخم مردم آبادان ندارد اما این فضای انحصاری و مغفلهانه و ترس از هر موضع‌گیری حتی در سطح تخریب و آوار شدن یک ساختمان بر سر مردم، بسیار خطرناک است. خطر فاجعه مونوپل در کشور که امکان جرات تفکر، تحلیل و اظهارنظر را از افراد و گروه‌ها سلب می‌کند قطعاً بیشتر از خطر متروپل است و حتما ادامه چنین وضعی منجر به ریزش و تخریب بنای اعتماد اجتماعی، امید، نشاط و شایسته‌سالاری خواهد شد.